انترناسیونال ۸۲۰

**بحران اقتصادی جمهوری اسلامی راه حل ندارد**

**پرسش از اصغر کریمی**

**انترناسیونال:** در هفته های اخیر شاهد لحن ملایمتری در برخورد میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی با یکدیگر بوده ایم. علیرغم مجادلات آنها که با افت و خیز روبرو بوده است احتمال اینکه جمهوری اسلامی کوتاه بیاید و مذاکراتی صورت گیرد و به توافقاتی برسند وجود دارد. در صورتی که توافقی صورت بگیرد و به تحریم های اقتصادی هم پایان داده شود، آیا در چنین صورتی امکان تخفیف یا حل بحران اقتصادی جمهوری اسلامی وجود دارد؟

**اصغر کریمی:** توافق قابل توجهی میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا و کلا دنیای غرب ایجاد نخواهد شد، اما حتی اگر توافقات حداکثری هم ایجاد شود و تحریم ها هم کنار زده شود، این روابط نه ابعاد زیادی خواهد داشت و نه پایدار خواهد ماند. هویت ضد آمریکایی برای جمهوری اسلامی قابل تغییر نیست و در منطقه نیز جمهوری اسلامی نه میتواند سیاست خود را تغییر اساسی بدهد و نه غرب با عقب نشینی نیمه و ناقص جمهوری اسلامی مشکلاتش با آن حل و فصل میشود. معضلات اقتصادی جمهوری اسلامی امروز پس از چند دهه به مراتب عمق بیشتری پیدا کرده و راه حل های دو سه دهه قبل هم دیگر جوابگو نخواهد بود.

اینکه بحران اقتصادی جمهوری اسلامی قابل حل نیست و این بحران آخر جمهوری اسلامی است، بحث سی ساله ما است. دوره رفسنجانی عده ای متوهم شدند که رابطه با غرب حل میشود و وضعیت اقتصادی در ایران رو به بهبود خواهد رفت. ما همان موقع موانع و مشکلات بنیادی جمهوری اسلامی را توضیح دادیم و گفتیم این اتفاق نخواهد افتاد. در دوره خاتمی و جامعه مدنی و دیالوگ تمدن ها که همهمه ای در ایران و در غرب ایجاد کرد، گفتیم بحران جمهوری اسلامی حتی تشدید میشود و همینطور شد. دوره احمدی نژاد افزایش قیمت نفت درآمد قابل توجهی یعنی ۶۱۸ میلیارد دلار را نصیب جمهوری اسلامی کرد. در این دوره درمورد تحولات سیاسی در ایران یک سخنرانی در استکهلم داشتم که دوستی سوال کرد که با این درآمدها، جمهوری اسلامی نمیتواند نارضایتی ها را کاهش دهد، صنایع بیشتری راه اندازی کند و مشکلات اقتصادی خود را کاهش دهد؟‌ توضیح من این بود که معضلات اقتصاد جمهوری اسلامی و بحران آن همه جانبه تر و عمیق تر از اینها است که با افزایش قیمت نفت تخفیف پیدا کند و حتی تشدید میشود. پول خودبخود هر اقتصادی را روی غلطک نمی اندازد. و نینداخت. دوره برجام توهم کمتر بود اما حکومت و حواشی آن تلاش کردند مردم را به نتایج اقتصادی برجام امیدوار کنند. جمهوری اسلامی در یک عقب نشینی قهرمانانه! سیاست اتمی اش را تغییر داد، دهها میلیارد دلار هم به ایران سرازیر شد اما کوچکترین گرهی از مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی باز نشد، این پول ها صرف اختلاس و نیروهای سرکوب و تروریسم در منطقه و غیره شد، کارخانه های بیشتری بسته شد، سرمایه گذاری خاصی که مشکلی را حل کند از جانب کشورهای غربی در ایران انجام نشد، گشایشی بوجود نیامد و کوچکترین بهبودی در فلج اقتصادی مردم حاصل نگردید. برعکس اجناس گرانتر شد، بیکاری افزایش یافت و قدرت خرید مردم باز هم افت شدیدی کرد.

امروز در مقایسه با آن مقطع و دهه های قبل از آن معضلات اقتصادی جمهوری اسلامی عمیق تر شده و هر نوع بهبودی دشوارتر و غیر ممکن تر شده است. از نظر اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی بسیار بی ثبات تر شده است. عدم رشد تکنولوژی که یک فاکتور مهم در وضعیت اقتصادی هر کشوری است پس از چند دهه به عقب ماندگی اقتصاد ایران شدت بیشتری داده است. بی اعتمادی جهان غرب به ثبات جمهوری اسلامی و ثبات تصمیم گیری های درازمدت و قابل اتکا از همیشه کمتر است. اگر قبلا به این جناح و آن جناح امیدهایی بسته میشد امروز همه اینها تجربه شده و امیدها! از دست رفته است.

امروز هیچ سیاستی و هیچ اقدامی بحران اقتصادی جمهوری اسلامی را علاج نخواهد کرد. نه برجام نه رابطه با آمریکا نه تحولات درون حکومت به نفع این جناح یا آن جناح و نه هیچ اتفاق دیگری. اقتصاد ایران چند دهه از دایره انباشت جهانی جدا مانده است، تکنولوژی بشدت جامانده و قدرت رقابت ندارد، تکلیف مالکیت هنوز روشن نشده و دخالت فاکتورهای غیر اقتصادی در اقتصاد همچنان ادامه دارد. فساد سیستماتیک و دزدسالاری اسلامی به تمام معنی بر اقتصاد حاکم است. بهبود اقتصاد نیاز به ثبات سیاسی درازمدت و سرمایه گذاری های سنگین و دیرفرجام و جذب سرمایه زیادی از خارج دارد که جمهوری اسلامی مطلقا فاقد چنین شرایطی است. هیچ دولتی آینده سیاسی قابل اطمینانی برای جمهوری اسلامی نمیبیند که حاضر به سرمایه گذاری سنگین در ایران باشد. سرمایه داران داخلی نیز حاضر به سرمایه گذاری های درازمدت و بنیادی نیستند و سرمایه خود را یا به خارج انتقال داده اند و یا در حوزه های غیر تولیدی بکار انداخته اند که امکان رانت خواری بیشتری برای آنها فراهم میکند. هیچ کشوری با چنین مشخصاتی امکان شکوفایی اقتصادی ندارد. هیچ دورنمایی برای تحول مثبت اقتصادی در ایران قابل تصور نیست. سیاست حکومت نیز از این ستون به آن ستون است و در واقع عملا امکان سیاست گذاری کوتاه مدت هم ندارد.

معضل اقتصاد جمهوری اسلامی سیاسی است. راه حل نیز سیاسی است. اما سیاستی بنیادی که به ثبات و امنیت سیاسی در ایران و سیاست منطقه ای کاملا متفاوتی منجر شود، رابطه با دنیای غرب را حل کند و ساختار سیاسی و اقتصادی متفاوتی ایجاد کند، در چهارچوب جمهوری اسلامی غیر ممکن است. هر کدام از این تحولات به معنی تلاطم های بزرگ سیاسی در حکومت و نهایتا رفتن جمهوری اسلامی است.

و بالاخره تا جایی که به طبقه کارگر و اکثریت مردم مربوط میشود، تا زمانی که جمهوری اسلامی در این مملکت حکومت میکند، با تحریم یا بی تحریم وضعیت اقتصادی شان رو به وخامت بیشتر خواهد رفت. برای مردم امروز این یک فرض است. امروز حتی تهیه گوجه فرنگی و سیب زمینی هم برای اکثر مردم ساده نیست. مقامات حکومت نیز حتی دیگر وعده بهبود هم نمیدهند برعکس میگویند مردم یک وعده غذا بخورند و کوچک شدن سفره مردم مهم نیست. روشن است که نارضایتی و انزجار عمیق مردم از حکومت صرفا بدلیل وضعیت معیشتی نیست. حکومت اسلامی از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز وصله ناجوری بر جامعه ایران است و با مشخصات تاريخى و فرهنگى جامعه ايران تناقض بنیادی دارد. جامعه مدرن و جوان ایران حکومت دینی را نمیپذیرد. بحران جمهوری اسلامی فقط بحران اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی و بی افقی اقتصادی نیست، بحران سیاسی و اجتماعی هم هست. بحران جمهوری اسلامی همه جانبه است و با هیچ جابجایی در حکومت و با هیچ تغییر سیاستی توسط این رئیس جمهور و آن رئیس جمهور قابل رفع و رجوع نیست. این بحران مرگ حکومت است و تنها با جارو شدن حکومت راه حل خود را پیدا میکند.\*